

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

دوشنبه ۲۱ نوامبر ۲۰۲۲

فریده نوری

به مناسبت روز تولد مرجان

چهل و شش سال قبل به تاریخ بیست و یکم نوامبر مرجان عزیز پا به این دنیا گذاشت و قلبم را سرشار از خوشی ها نمود، به دنیا آمدنت بهترین اتفاق زندگیم بود. دخترم شب تولد تو برایم ارمغان تمام خوبی ها و زیبایی ها بود و همین تولد تو بود که شیرین ترین بهانه برایم شد تا با تمام رنج های زندگی مجادله کنم.



از همان روزیکه پای تو به این دنیا رسید
غصه هایم یک به یک از قلب و جانم پر کشید
روز میلاد تو دنیا یک صدا خندیده بود
آسمان در مقدمت باران گل باریده بود



دخترم روز تولدت احساس کردم که خداوند هدیه گران بهایی بر من ارزانی داشت و خود را مسؤول نگهداریش دانستم، لکن دختر عزیزم در نگهداربت عاجز آمدم و مسؤولیتم را به درستی ادا کرده نتوانستم.



salamwatanam@gmail.com

اما اگر گردش زمانه با من می بود، آن لحظه های یکجا بودن را با تو طولانی و طولانی تر می ساختم.



صبح تار آمد پدید از دوری و فقدان تو
شب چه هجرانی کشیدم از درد بی درمان تو



غم اگر به کوه گویم بگریزد و بریزد
که دیگر به این گرانی نتوان کشید باری

من درد فراق دیده بودم، افسانه غم چشیده بودم، اما غم تو جانگداز است، دردیست که قصه اش دراز است.

آن عزیز دوست داشتنی چه نا باورانه و غریبانه رفت، و از خود خاطراتی جاودان به جای گذاشت.

غصه پنهان به دل بودش ولی	شاد و خرم چهره اش بر رهگذر
دُر ارزان، زان ما بود ای دریغ	گنج پنهان شد به خاک و بی ثمر
تا که وی رفت آن سحر از پیش رو	بی نشان را خاک تیره شد به سر

از یاد تو یک نفس دلم غافل نیست	هر چند که جز حسرت دل حاصل نیست
از شوق تو می سوزم ولی سازم چون	آن دل که به شوق تو نسوزد دل نیست

هرگز نقش تو از لوح و دل و جان نرود
هرگز از یاد من آن [مونس جان] نرود

پائیز رنگ زندگی پر غم من است
من درک می کنم غم این سرخ و زرد را

بنال ای نی که من غم دارم امشب	نه دلسوز و نه همدم دارم امشب
دلم زخم است از دست غم [مرجان]	هم از غم چشم مرهم دارم امشب
همه چیزم زیادی می کند حیف	که [مرجان] از میان کم دارم امشب
چو عصری آمد از در گفتم ای دل	همه عیشی فراهم دارم امشب
ندانستم که بوم شام غمگین	به بام روز خرم دارم امشب
برفت و کوره ام در سینه افروخت	ببین آه دمامم دارم امشب

(شهریار)